

پشت بوم

نامزدها نمی‌دانند برای هنر چه کرده‌اند



حسین هاشم‌پور

● وقتی آقای قالیباف در مناظره دوم به آقای روحانی خیلی کلی گفت در شهرداری برای هنر کارها کردیم، رئیس‌جمهور هم کلی‌تر گفت ما هم؛ و فقط یادش آمد از فعال‌شدن ارکسترهای موسیقی یادی نکند؛ پیدا بود هیچ‌یک از آقایان دقیقاً نمی‌دانستند برای هنر چه کرده‌اند؛ درحالی‌که جامعه هنری انتظاراتش بسیار بیش از عملکردهاست اما موضوع بحث این نوشتار این است که کاندیداهای محترم حتی حساب معدود کارهایی را که برای فرهنگ و هنر کرده‌اند هم نداشتند؛ حتی به خود زحمت نداده بودند آماری در حیب بغلشان بگذارند تا عیار هنردوستی‌شان را به رخ رقیب بکشند و هر دو طرف ترجیح دادند مثل برق و باد از این موضوع بگذرند. شاید توقع گزافی است که از رئیس‌جمهور، معاون‌اولش یا حتی شهردار تهران بخواهید آمار عملکرد خود در عرصه هنر را از بر باشند، اما وقتی برای یک رقابت داغ انتخاباتی برای مناظراتی با عنوان سیاسی – فرهنگی آمده باشند، جز این مگر انتظاری از آنها می‌رود؟ وقتی بدون آمار دستاوردهای هنری به مناظره‌ای فرهنگی می‌آیند، معنایش این است که برای این عرصه چنان که باید ارزش و منزلتی قائل نیستند یا اینکه سبد رای هنرمندان را آن‌قدرها مهم تلقی نمی‌کنند که برایش آمار بدهند.

یک- آقای رئیس‌جمهور روحانی به دلیل اینکه نخستین نامزدی بود که به هنر اشاره و اعتراض کرد: «از پخش دعای رنای یک هنرمند آیا می‌کنیم» نمره بالایی به خود اختصاص داد اما وقتی از نام‌بردن از استاد شجریان امتناع کرد، نشان داد نسبت به چهار سال قبل در عرصه هنر عقب نشسته است؛ او در ادامه فقط به آشتی‌دادن جامعه هنری با دولت و دایرکردن ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی اشاره کرد و پیدا بود دستاوردهای تجسمی، رونق دوباره سالن‌های سینما، اجراهای پرشمار تئاتر، بهبود شرایط ممیزی کتاب و… را به خاطر ندارد، او حتی برای توسعه هنر و جریان مافات، برنامه‌ای ارائه نداد، انکار نه انکار نفس مناظره برای همین‌هاست. دو- آقای اسحاق جهانگیری اما به دلیل طرح چندباره مسائل فرهنگ و هنر در مناظره دوم، گوی سبقت را از رقیبا در این زمینه ربود؛ او با نام‌بردن از آقای اصغر فرهادی آغاز کرد که از یک فرد به یک نهاد ارتقا یافته و با تمام محدودیت‌ها پرچم ایران را بالا نگه داشته است.. او گفت که با قدرت فرهنگی قادریم خیلی از مسائل بین‌المللی و داخلی را حل و فصل کنیم و درعین‌حال خواستار آزادی عمل هنرمندان شد و سپس به مبحث پرمجاری لغو کنسرت‌ها اشارتی کرد و گفت: «به‌هیچ‌وجه از هیچ‌کس پذیرفته نیست که هنرمندی تمام مراحل قانونی خود را طی و برای اجرای کنسرتی اقدام کند، اما مقامی بتواند مانع کار او نشود.. اما او نیز آماری به همراه نداشت و عجیب آنکه گفت چرا دولت نتوانست جلوی دلواپسان از جامعه هنری دفاع کند و حتی وعده‌ای هم نداد که در دولت بعد برای اعتباریافتن مجوزهای دولت چه خواهند کرد!

سه- آقای قالیباف اما با جمله اعتراضی درخصوص نحوه انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنانش را آغاز کرد و گفت: «اولین تکريم اهالي فرهنگ واگذاري امور فرهنگي به خودشان است نه اينكه كسي را به كار بگيريم كه نه فرهنگيان را مي‌شناسد و نه فرهنگيان او را مي‌شناسند». او حواسش نبود جامعه هنری می‌برد پس چرا ایشان در چند سال اخیر در سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران که بودجه‌ای درخورملاحظه هم دارد، رؤسایی را منصوب می‌کند که کمترین نسبت را با فرهنگ و هنر دارند. اول اردیبهشت ۹۴ در همین ستون با تیتز: «ریاست‌های ۲۱ ماهه» در همین باره نوشته‌ام. آقای قالیباف که در این‌س مناظره مدعی شد باید بگوئیم «و تنها گفت «به خانه موسیقی تهران (۱) کمک و چندین هزار صندلی سینما اضافه کردیم». حال آنکه او می‌توانست به سمپوزیوم‌ها و دوسالانه‌های مجسمه‌سازی، برنامه بهارستان، نگارخانه‌ای به وسعت شهر، تأسیس خانه موزه‌ها، پردیس تئاتر تهران و صبا و… اشاره کند که نکرد.

چهار- آقای میرسلیم که جامعه هنری خاطرات خوبی از دوران وزارتش ندارند هم با خواندن متنی و صادره‌کردن یک فیلم و یک کتاب علیه دولت، همه خاطرات سال‌های ۷۲ تا خرداد ۷۶ خورشیدی را باسازی کرد؛ او که بعد از چهار سال وزارت فرهنگ، کمترین ارتباط را با جامعه هنر داشته، مقصر همه بلایایی را که بر شخصیت‌های فیلم «ابدوبکرروز» می‌رود، دولت چهارساله روحانی خواند تا هم صدای سعید روستایی (کارگردان فیلم) را درآورد و هم نشان دهد راست می‌گویند او چه‌رای صنعتی است تا هنری. پنج- آقایان رئیسی و هاشمی طبا هم در حد زنگ انشا از اهمیت فرهنگ و هنر گفتند و خلاص. شش- با چنین پارلی اهالی فرهنگ و هنر پای صندوق‌های رای می‌روند؛ معترض، حتی خسته از برآورده‌نشدن مطالبات اما می‌روند و رای می‌دهند؛ اعلام حمایت‌های شفافشان که هر روز رسانه‌ای می‌شود و پایانی است بر رودریاستی‌های ایرانی، این را می‌گوید.



شاهرخ دولکو

یک: آيا رؤيای مهاجرت به آمريکا، کانادا يا استراليا را داريد؟ آيا شما هم جزء معدود افرادی هستيد که تابعيت يکی از کشورهای اروپايی را کسب کرده‌اند؟ آيا به اين می‌انديشيد که اين کشور جای زندگی نيست و بايد جايی ديگر- در آتوپيایی که من نمی‌دانم کجاست- رحل اقامت بيفکنيدي؟

اگر اين گونه است نيازى نيست بقيه اين يادداشت را بخوانيد. موضوع اين يادداشت شما نيستيد و نکته آن به کار شما نمی‌آيد. خودتان را خسته نکنيد و به رؤيائتان برگريد.

دو: آيا شما تصميم داريد در انتخابات پيش‌رو برای تعيين رئيس‌جمهور مملکت شرکت کنيد؟ آيا بر اين باوريد که با رای تک‌تک شما آينده اين کشور رقم می‌خورد و بهترين شرايط ممکن برای زندگی شما و کسانی که دوست می‌داريد فراهم می‌شود؟ آيا فکر می‌کنيد حقی که بابت رای‌دادن به شما داده شده سه‌م – هرچند- اندک شما را دموکراسی و تعيين

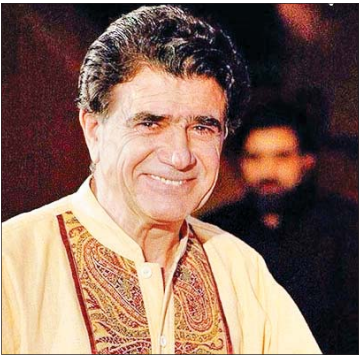
سرنوشتی است که خودتان بايد آن را مطالبه کنيد و به دست آوريد؟ اگر اين‌گونه است شما هم نيازى نيست بقيه اين يادداشت را بخوانيد. موضوع اين يادداشت و نکته آن – حتی فارغ از آنکه به کدام کاندیدا رای می‌دهيد- به کار شما نمی‌آيد. خودتان را بابت خودان اين يادداشت خسته نکنيد و به انتخاب درستی که کرده‌ايد برگريد.

سه: اين يادداشت برای کسانی نوشته می‌شود که تصميم دارند رای دهند؛ جماعت خاموش؛ آنهایی که يک گوشه نشسته‌اند و به بقيه می‌گويند که حرف را برایشان ليک کند. آنهایی که مطمئن هستند رايشان تأثیری در انتخابات ندارد. آنهایی که می‌پندارند همه کاندیداها از يک قماشند و فرقی بينشان نيست. آنهایی که فکر می‌کنند اگر رای دهند يعنی موافق اوضاع مملکت هستند و چون از وضع موجود دلخوردن ترجيح می‌دهند در اين شوی «صايفتمدی» شرکت نکنند. آنهایی که دلشان می‌خواهد نان و ماستشان را بخورند و کاری به کارشان نداشته باشند و آنها هم کاری به کار کس ديگری نداشته باشند. آنهایی که تصورشان از وجود دموکراسی در يک کشور صفر و صد است: «يا اين مملکت يک‌شبه گلستان می‌شود و ريشه هرچه فقر و تباهی و فساد

معرفی می‌کنم: ترسناک‌ترین موجودات روی زمین…

و رانت است برچیده می‌شود تا این مملکت تبدیل به بهشت شود یا بگذاریم اصلاً دموکراسی‌ای وجود نداشته باشد تا به قهقرای کامل برویم و منتظر باشیم تا از خاکستر این آتش، ققنوسِ سر برآورد.»خواهر برادر عزیز من، اشتباه می‌کنی و تاوان اشتباه تو را، نه تو که تمامی هم‌وطنان و آشنایان و خانواده و دوستان و فرزندان تو می‌دهند. ما همه سوار یک کشتی هستیم و تو حق نداری به این دلیل که از بعضی از مسافران این کشتی یا خدمه آن یا از ابرهای سیاهی که آسمان بالای سرت را فراگرفته دلخوری، از بازردن شانه خالی کنی و این کشتی را با همه مسافران آن – مسافرانی که حتما تعدادی از آنها کسانی هستند که دوستشان داری و به آینده‌شان علاقه‌مندی و دلت برای موفقیت آنها می‌تپد- گرفتار گردابی کنی که نتیجه‌ای جز غرق شدن این کشتی ندارد. این سهم بسیاربسیار کوچکی که از دموکراسی نصیبت شده است را در کف دستت نگه دار. آن را بیهوده از دست نده که فردا همین را هم نخواهی داشت. به احترام فردای بهتری که می‌توانی نصیب من و تو شـود سکوت نکن و به دست خودت این فردا را به کسانی که دوستشان داری هدیه کن. نگاه کوچکی ببنداز به حقایقی که این روزها در گوشِ

نسیم قاضی‌زاده



برای استاد شجریان محسوب می‌شود چون هم مسئله بیماری‌شان به وجود آمده و هم از این نظر که نتوانسته‌اند در هشت سال اخیر برای مردم ایران اجرائی در داخل کشور داشته باشند، حائز اهمیت است. به‌رحال استاد شجریان در کنسرت‌های داخل کشور انرژی بسیار زیادی از مردم مهربان کشورمان می‌گرفتند و متأسفانه این انرژی به‌واسطه ممنوع‌الاجراشدن، از ایشان دریغ شده است. از این بابت من هم مانند بسیاری از مردم کشورمان متأثر



محمدرضا شجریان در ایران ممنوع‌الکار است؛ البته در این مدت آلبوم‌های ایشان در ایران منتشر شده منته‌امنموقع‌الکسرت شده‌اند. از نظر من شاید رفع این ممنوعیت در شرایط کنونی که ایشان بیمار هستند تأثیر خاصی نداشته باشد، اما این رفع ممنوعیت اجرای صحنه‌ای زمانی ارزش داشته و دارد که ایشان امکان اجرای کنسرت داشته باشند. متأسفم که باید بگویم استاد شجریان در این سال‌ها واقعا با مظلومیت روبرو بوده‌اند. این دوره بسیار سختی

۴۰ هنرمند در نمایشگاه «رویگردها و گرایش‌ها»

شرق؛ مؤسسه فرهنگ و هنر ماندگار، نمایشگاه «رویگردها و گرایش‌ها در هنر معاصر ایران» را عصر پنجشنبه، بیست‌ویکم اردیبهشت در گالری پردیس ملت برگزار می‌کند. در این نمایشگاه، آثار ۴۰ هنرمند جوان و نسل میانی که هر یک از زاویه‌ای مختص به خود در هنر معاصر ایران نقش‌آفرینی می‌کنند ارائه خواهد شد. در این نمایشگاه آثار پویا آریان‌پور، نسیم ابوالقاسم، شهریار احمدی، مسعود اخوان‌جم، مریم اسکاتیان، امیرحسین بیانی، مجتبی تاجیک، مونا پاد، مهدیه پازوکی، مرتضی پورحسینی، آرمین پورقهمی، بهناز جلالی، وحید چمانی، ششما خشخاشی، سلما خوشنور، فرناز ربیعی‌ناه، آزاده زراق‌دوست، روشنا رستمی، حامد رشتیان، لیلی رشیدی، بابک روشنی‌نژاد، کامبیز صبری، نسترن صفایی، طاهره صمدی‌طاری، قدرت‌الله عاقلی، کیوان عسگری، سمیرا علیخانزاده، زهرا قیاسی، بهنام گامرانی، کورش گلناری، یسری مجتهدی، احمد مرشدلو، مانلی منوچهری، نزار موسوی‌نیا، نگار نادری‌پور، بنفشه همتی، بیتا وکیلی، لیلی وسمه، الهه یزانیان و محمدرضا یزدی روی دیوار می‌روند.

شب تلایی موسیقی فیلم در نیاوران

تلفیقی تهران بودند و درواقع این رپرتوار برای دومین‌بار روی صحنه رفت. گروهی که رضاعی برای اجرای آاترش انتخاب کرد شامل موسیقی‌دانان جوان و توانمندی مانند بردیا کیارس در کنار نوازنده جوانی همچون پریاز حیدری‌نژاد از ۱۷ سال سن بود. همچنین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گروهش حضور پررنگ بانوان نوازنده بود. در این اجرا هم پریسا پیرزاده، لعلیا اعتمادی، سایورۃ شفیعی و پریناز حیدری‌نژاد نیمی از اعضای گروه را تشکیل می‌دادند که از پس اجرای قطعات به‌خوبی برآمدند. همچنین امیر دارابی، مهرداد عالمی و آرمین قیطاسی از دیگر نوازندگان این گروه بودند که در اکثر ارکسترهای دیگر

موبایل به تو روزهای تلخی را گوشزد می‌کند که تو به دست خودت آن را رقم زدی؛ به اینکه اگر تو هشت سال قبل در جرگه ۱۸میلیون رای خاموشی قرار نمی‌گرفتی که انتخابات را تحریم کند و به پای صندوق رای نرود، بر این کشور آن نمی‌گذشت که تو خود بهتر می‌دانی. یک لحظه خاموشی تو، ذره‌ای از آن نوری که می‌توانست آن سیاهی را شکست دهد کم کرد. یک لحظه سکوت تو، ذره‌ای از آن صدایی که می‌توانست شنیده شود را خاموش کرد. حقت را در دست بگیر. سفت‌وسخت. مثل جان شیرینت از آن نگهداری کن. نگذار آن را از دستت دریابورند. آن را به ثمن بخش فروش به کسی که می‌تواند آینده‌ات را تاریک‌تر کند. نمی‌گویم مثل من بیا و حتما به حسن روحانی رای بده. می‌گویم رای بده. به هرکس که بر اساس منطق و وجدان و انصافت می‌پنداری که می‌تواند ذره‌ای – فقط ذره‌ای- از سیاهی و تلخی این روزها بکاهد رای بده، ولی رای بده. خواهر و برادر هم‌وطن من. انتخابات از رگ گردن به تو نزدیک‌تر است و تو، اگر به ندای آن توجه کنی، روزی جانت را خواهد گرفت. آن روز تو ترسناک‌ترین موجود روی زمین خواهی بود؛ موجودی که به خودش و به دوستان و همراهان و هم‌وطنانش رحم نکرد.

نامه شجریان به روحانی جعلی بود

هستم. استاد شجریان سال‌های سال آن‌قدر آثار خوب اجرا کرده‌اند که هرگز از ذهن مردم ایران پاک نخواهند شد.

انتشار این نامه جعلی که به اعتقاد کارشناسان از طرحی قبلی و هدف‌دار علیه جناح حامی دولت خبر می‌دهد، به نظر می‌رسد که تحت‌تأثیر صحبت‌های محدبباقر قالیباف در آخرین مناظره تلویزیونی‌اش در زمینه موسیقی باشد. او در این مناظره از حمایت‌خانه موسیقی و هنرمندان این حوزه سخن گفت درحالی‌که بلافاصله بعد از صحبت‌های او، خانه موسیقی در بیانیه‌ای به صورت رسمی اعلام کرد که تنها سالی معادل صدمیلیون تومان از سوی شهرداری تهران به این خانه کمک می‌شود. ضمن اینکه در دوره این نامزد ریاست‌جمهوری بود که با دستور شهاب مرادی، رئیس سازمان فرهنگی – هنری شهرداری، تمام کلاس‌های موسیقی در فرهنگ‌سراها تعطیل شدند و همچنان بعد از پیگیری‌های چندین‌وچندساله خانه موسیقی، به حالت نیمه‌تعطیل درآمده‌اند. در روزهای گذشته، حمید شاه‌آبادی، معاون هنری وزیر ارشاد دولت گذشته، در گفت‌وگویی از عملکرد موسیقی در دولت گذشته دفاع کرد و فعالیت‌های موسیقی دولت احمدی‌نژاد را از حیث کمیت و کیفیت با دوره روحانی قابل مقایسه دانست، اما آنکه آمار منتشرشده از سوی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چند روز گذشته با صحبت‌های شاه‌آبادی مغایرت دارد و خبر از رشد چندین‌وچنددرصدی فعالیت‌های موسیقی با شاخص‌هایی چون انتشار آلبوم، تک‌آهنگ و… می‌دهد.

آخرین نکته اینکه، جدای از تمامی حواشی پیش‌آمده در زمینه انتشار نامه جعلی، صبح روز گذشته، عکس‌های جدیدی از استاد در حال باغبانی در صفحه اینستاگرام همایون شجریان منتشر شد که نشان از بهبود حال عمومی استاد داشت.

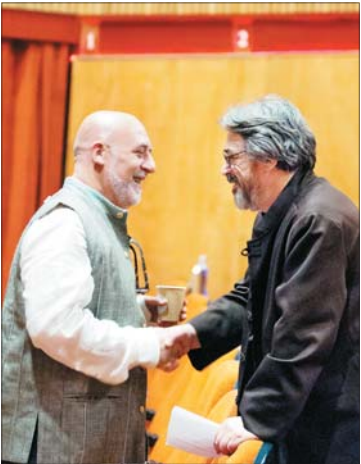
۵ خرداد؛ کنسرت تک‌نوازی پشنگ کامکار در تالار وحدت

شرق؛ «پشنگ کامکار»، آهنگ‌ساز و نوازنده برجسته سنتور، پنجم خرداد در تالار وحدت تهران کنسرت تک‌نوازی اجرا می‌کند. او در این برنامه اثر «بارانه» را که یکی از موفق‌ترین آثار تک‌نوازی این ساز است، به اجرا درمی‌آورد. در بخش پایانی این اجرا هم «سیاوش کامکار» و «تیزیز کامکار» پدر را در اجرای این کنسرت همراهی خواهند کرد.

پشنگ کامکار، نوازنده چیره‌دست سنتور و از بنیان‌گذاران گروه شیدا، سال‌ها پیش «بارانه» را در دستگاه ماهر و بیت‌اضفهان اجرا کرد. در این کنسرت، او، هم قطعاتی براساس موسیقی ردیف ایرانی اجرا می‌کند و هم قطعاتی که نشنت‌گرفته از موسیقی فولکلور کردی است. این هنرمند آهنگ‌سازی و هم‌نوازی در آثار متعددی در موسیقی ایرانی را با همراهی با گروه‌هایی از جمله گروه شیدا، دستان و کامکارها در کارنامه خود دارد.

این برنامه با تهیه‌کنندگی مؤسسه فرهنگی- هنری «بارانا» و

بلیت‌فروشی آن از طریق سایت miresi.ir انجام خواهد شد.



زیر آسمان فیروزهای

فرهنگ و مناظره



علی فرامرزی

● دو هفته قبل وقتی در یادداشتی با عنوان (هنرمندان و انتخابات) به این موضوع پرداختم که انتخابات عرصه فراهمی است تا هنرمندان واصحاب فرهنگ بتوانند خواسته‌های صنفی خود را مطرح کنند و این قشر به دلیل موقعیت‌شان در جامعه و محبوبیت‌شان در بین مردم در به‌صحنه‌کشیدن اقشار مختلف تأثیرگذارند و ازهمین‌روی می‌توانند در به‌کرسی‌نشاندن مطالبات برحق‌شان و مطرح‌کردن بحث فرهنگ و هنر در یک فضای همه‌گیر حضور خود را نشان دهند، از سوی کسانی با بدبینی نگریده شد. در آن زمان مطرح‌کردن چنین بحثی شاید قدری خوشبینانه و به‌دور از واقعیت دیده می‌شد و حتی تعدادی از همکاران در تماس‌هایی این عقیده را با صراحت مطرح کردند. پس از برگزاری اولین دور مناظره‌ها و غیبت بحث فرهنگ و هنر در آن غربت موضوع فرهنگ یاس و سرخوردگی‌ای را به‌ویژه در بین قشر فرهنگی جامعه ایجاد کرد و همین احساس و برداشت یادداشت‌ها و اعتراضاتی را در فضای رسانه‌ای از سوی این لایه اجتماعی دامن زد و من نیز در نوشته‌ای با عنوان (جایگاه فرهنگ و هنر در مناظره‌های کاندیداها) در هفته گذشته، دراین‌باره مطالبی را نوشتم. خوشبختانه در دومین مناظره از دو موضوع در نظر گرفته‌شده که باید کاندیداها به آن می‌پرداختند، یکی بحث فرهنگ و هنر و برنامه‌های هر یک از کاندیداها دراین‌باره بود؛ تاآنجاکه به خاطر دارم این باید اولین‌بار باشد که موضوع فرهنگ و هنر به‌عنوان بحثی مستقل در مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری طرح شده است، صرف‌نظر از نحوه پیشرفت صحبت‌ها و نظریات کاندیداها در این زمینه، اختصاص‌پیداکردن موضوع فرهنگ در چنین آوردگاهی نشان داد که تا چه حد جایگاه و جایگاه هنر و فرهنگ در صحنه اجتماعی و نزد تصمیم‌گیرندگان کشور تغییر یافته و تا کجا می‌تواند کاربرد داشته باشد و چنین گلگواهایی تا چه حد فرصت غنیمتی است برای بالاکشدین جایگاه این مهم‌ترین دستاورد بشری، بی‌شک پیگیری مطالب گفته‌شده و قول‌های داده‌شده باید پس از انتخابات از اولویت‌های پیگیری نهاده‌ا و تشکل‌های مردمی و صنفی جامعه فرهنگی باشد. اینکه موضوع فرهنگ و هنر تا این حد نتوانسته اهمیت خود را بازگو کند و حتی توجه تصمیم‌گیرندگان سیاسی را به خود معطوف دارد، امری طبیعی است؛ زیرا در جهانی که به خاطر رشد وسایل اطلاع‌رسانی و جرش اطلاعاتی که به‌تدریج فرهنگ و هنر را به اولین نیاز جوامع تبدیل کرده و در هر دو بعد توسعه درون‌زا و دیپلماسی فرامرزی به یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها تبدیل شده و به‌همین‌دلیل است که هنرمند معاصر درحالی‌که دستی بر اینترنت دارد و از این طریق خود را به جهان متصل کرده است و با دستی دیگر به خلق اثر هنری می‌پردازد، دیگر نمی‌تواند نسبت به امری مانند انتخابات منفعل باشد و جهاش را صرفا در کنج تنهایی خود جست‌وجو کند؛ چراکه جهان با همه کنش‌ها و واکنش‌هایش در کنار او حضور دارد.

«توفان» مازیار سیدی در راه است

● **شرق؛** مازیار سیدی، کارگردان «مرسولات پتربورگ» و بازیگر «آشپزخانه» از ۲۸ اردیبهشت نمایش «توفان» شکسپیر را در تالار خورشیدی دانشگاه هنر روی صحنه می‌برد. دراماتوزری این پروژه استاد- شاکردی است، بازیگران آن عمدتا از دانشجوین تئاتر دانشگاه‌های هنر سراسر ایران هستند. پیش‌فروش «توفان» که تا نیمه خرداد هر شب ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه می‌رود، در سایت تیوال آغاز شده و در ضلایه آن آمد است: «پراسپرو برای آموختن دانش جادویی و علوم جدیده شهریارۃ را به برادرش آنتونیو سپرد و برادرش به او خیانت کرد. با همراهی شاه ناپلۃ توطئه‌ای ساختند تا پراسپرو را از تمام حقوق به‌عنوان دوک میلان محروم کنند. نمی‌توانستند پراسپرو را بکشند پس به‌همراه دختر سه‌ساله‌اش به دریا سپردند. پراسپرو و دخترش به جزیره‌ای متروک رسیدند و نجات یافتند. پراسپرو در همان‌جا به آرمودن و آموختن پرداخت تا از چرخش روزگار همان دریا دشمنانش را یکجا به جزیره آورد».

مردمان مرشدلو در گالری هما

● **شرق؛** احمد مرشدلو، نماینده جریان مشخصی از نقاشی معاصر ایران است. مردم حاشیه و زنان و مردان معمولی موضوع اصلی آثار اوست. این هنرمند انفعال را ایده مجوری کارهایش می‌داند و معتقد است انسان بدون کنش، تفاوت چندانی با طبیعت بی جان ندارد و او در پی نمایش چنین واقعیتی است. قرار است اولین نمایش این هنرمند به‌همراه گفت‌وگوی شهروز نظری با احمد مرشدلو با عنوان «چشم سر» در افتتاح نمایشگاه اخیرش در گالری هما رونمایی شود. طراحی و خلق کتاب را استودیو ۹۸۲۱ و ایمان صفایی برعهده داشته و پروژه ساخت کتاب را هویار اسدیان انجام داده است.